

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۵۲، پیاپی ۱۴۲، زمستان ۱۴۰۰
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۹۲-۱۷۳

جنبش کارگری همدان در دوران نهضت ملی^۱

ابوالفتح مؤمن^۲، کیوان شافعی^۳، انور خالندی^۴، سید محمد شیخ احمدی^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲

چکیده

در دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت، احزاب و گروه‌های سیاسی فعالیت زیادی در همدان داشتند. حزب «توده» یکی از احزابی بود که در قالب انجمن‌ها و شورای متحده کارگران و زحمت‌کشان فعالیت می‌کرد. این حزب ضمن مخالفت با نهضت ملی و دولت مصدق، در بیشتر مواقع با «جمعیت طرفداران نهضت ملی همدان» درگیر بود. اتحادیه کارگری و شورای متحده کارگران و زحمت‌کشان این حزب و دیگر تشکیلات حزب، مانند «خانه صلح» با فعالیت خود در اعتصابات کارگری، در بین کارگران کارخانه‌های همدان نقش مؤثری داشتند. هدف این نوشتار تحلیل فعالیت‌های حزب توده و شورای مذکور در میان کارگران همدان بوده است.

مقاله حاضر با استناد به داده‌های استخراجی از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است. یافته‌های پژوهش نشان از فعالیت حزب توده و شورای متحده کارگران و زحمت‌کشان شعبه همدان در مخالفت با نهضت ملی، با جذب کارگران و برگزاری اعتصابات کارگری در کارخانه‌های همدان دارد. بدین ترتیب، برای اولین بار جنبش کارگری به شکل سازماندهی شده خواسته‌های صنفی و سیاسی - اقتصادی جدیدی را مطرح کرد و مشکلات سیاسی و امنیتی برای مسئولان همدان به وجود آورد.

واژه‌های کلیدی: نهضت ملی، حزب توده، اتحادیه کارگری، شورای متحده کارگران و زحمتکشان، همدان

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2021.36511.2486

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران m.abolfath@yahoo.com
 ۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول) kaivan_shafei@yahoo.com
 ۴. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران a.khalandi@alumni.ut.ir
 ۵. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران modares1980@yahoo.com
- مقاله مستخرج از پایان‌نامه با عنوان «بررسی تحولات نهضت ملی (۱۳۲۸-۱۳۳۲ش) در همدان و تأثیر آن بر حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همدان» دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج در سال ۱۴۰۰ است.

مقدمه

در سال‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت، احزاب و گروه‌های سیاسی در همدان به شدت فعال بودند. این فعالیت به دو گروه «جمعیت طرفداران جبهه ملی همدان» و حزب «توده» و گروه‌های وابسته به آن تعلق داشت. این حزب سعی داشت در هر موقعیتی با گردهمایی و توزیع اعلامیه در همدان، با نهضت ملی و دولت مخالفت کند. حزب «توده» از سازماندهی قوی و شعارهای عدالت خواهانه برخوردار بود و به همین دلیل توانست در بین اقشار مختلف از جمله کارگران افرادی را جذب کند (ساکما، ۱۳۰۸/۲۹۰؛ همان، ۱۳۷۲/۲۹۰).

کارگران همدان از نظر نوع فعالیت و مدیریت به دو گروه تقسیم شده بودند. گروه اول کارگرانی بودند که در کارگاه‌های سنتی قالی بافی و دب‌باغ‌خانه‌ها فعالیت می‌کردند. این کارگاه‌ها به علت پراکندگی آنها، تعداد کم کارگران و تسلط کارفرما محیط مناسبی برای فعالیت‌های سیاسی نبود. گروه دوم کارگران کارخانه‌های نسبتاً مدرن و متمرکز برق، چرم‌سازی و کبریت‌سازی بودند که به علت تعداد زیاد کارگران و عضویت تعدادی از آنان در اتحادیه کارگری و شورای متحده کارگران و زحمتکشان وابسته به حزب «توده»، محیط مناسبی برای فعالیت‌های حزبی بودند. اعتصابات کارگران کارخانه برق و چرم‌سازی همدان در زمان نهضت ملی، از جمله اقدامات بود که توسط شورای متحده کارگران و زحمتکشان شعبه همدان سازماندهی شده بود.

درباره نقش جنبش کارگری در سطح ملی، تحقیقات اسنادی و کتابخانه‌ای در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌های تحصیلی انجام شده، اما در مورد فعالیت جنبش کارگری همدان در دوران نهضت ملی، پژوهشی صورت نگرفته است. در این زمینه تنها در کتاب *انقلاب اسلامی در همدان* (مؤمن، ۱۳۸۶) و مقاله «حزب توده در همدان» در ماهنامه «زمانه» توسط ابوالفتح مؤمن (۱۳۸۶) انجام شده که آن هم به دلیل نپرداختن به جنبش کارگری همدان به صورت خاص در دوران نهضت ملی، جامع نیست. بنابراین لازم است در این مورد تحقیق کاملی انجام شود. نویسندگان این نوشتار با تکیه بر اسناد و داده‌های تاریخی، به دنبال پاسخ به این پرسش‌اند که: اتحادیه کارگری و شورای متحده کارگران و زحمتکشان از چه زمانی فعالیت خود را در همدان آغاز کرد و واکنش کارفرمایان و مقامات ملی و محلی نسبت به این فعالیت‌ها چگونه بود و چه نتایجی را به دنبال داشت؟

شورای متحده ولایتی کارگران و زحمتکشان همدان

مدتی پس از تأسیس حزب «توده» بعد از شهریور ۱۳۲۰، کمیته‌های ولایتی و ایالتی حزب در

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۰ / ۱۷۵

بیشتر مناطق کشور تشکیل شد. اتحادیه کارگری ایران در اردیبهشت ۱۳۲۳ به همراه سه اتحادیه کارگری دیگر، شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران را تشکیل دادند که روزنامه «ظفر» ارگان آن بود (قدسی‌زاده، بهروز و خسروپناه، ۱۳۹۳: ۴۷). اتحادیه مذکور شعبات خود را در کارخانه‌های کشور گسترش داد و تعداد بسیاری از کارگران تهران و شهرستان‌ها را پیرامون خود گرد آورد (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰: ۱۰۶/۱) و از سوی «فدراسیون جهانی اتحادیه کارگری»^۱ به رسمیت شناخته شد (jamalzedeh, 1951: 179). البته اتحادیه‌های صنفی در زمان مشروطه شکل گرفت؛ چنان‌که اولین اتحادیه کارگری توسط کارگران «چاپخانه» تهران در سال ۱۹۰۷ تشکیل شد (فلور، ۱۳۷۱: ۱۳).

کمیته ولایتی حزب توده همدان در تابستان ۱۳۲۲ تأسیس شد و از اواخر سال ۱۳۲۳ عضوگیری کرد (تفرشی و طاهر احمدی، ۱۳۷۱: ۵۰۸/۱؛ مراسم، ۳۶۰۱۲). بدین ترتیب، اتحادیه کارگری و شورای متحده کارگران و زحمتکشان در همدان شکل گرفت و با عضویت افراد فعالیت آنها آغاز شد؛ به طوری که «جواد آذر مهر» رئیس شعبه حزب در همدان و منوچهر فرجادی مسئول شورای متحده ولایتی کارگران و زحمتکشان همدان، سخنرانی‌هایی برای کارگران و سایر اقشار همدان انجام می‌دادند (طیرانی، ۱۳۷۶: ۱۲۸۶/۲، ۱۲۹۴) و موجب شد تعداد زیادی از کارگران در سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ش. به عضویت حزب درآیند (مراسم، همان). البته قشر کم‌درآمد اقلیت‌های دینی همدان، چون ارامنه و آسوری‌ها بیشتر جذب اتحادیه شدند (مؤمن، ۱۳۹۰: ۳۶۹). در دوران نهضت ملی برای جایگاه افراد و گروه‌ها نمی‌توان از واژه طبقه استفاده کرد؛ زیرا طبقات اجتماعی آن‌گونه که مد نظر جامعه‌شناسان است و در جوامع صنعتی شکل گرفت، در تاریخ اجتماعی ایران قابل ترسیم و تصور نیست. بر همین اساس، طبقه‌ای به نام «طبقه کارگر» به مفهوم واقعی آن، دست‌کم در شهر همدان شکل نگرفت. به منظور روشن شدن موضوع، به تعریف این واژه پرداخته شده است. طبقه حداقل به دو مفهوم متفاوت به کار برده شده است؛ نخست به افرادی با منابع درآمد مشابه، میزان درآمد همسان و شیوه زندگی همگون اطلاق می‌شود. دوم یک واژه پیچیده اجتماعی-روانی برای طبقه‌بندی افرادی است که علاوه بر قرار گرفتن در سلسله‌مراتب اجتماعی مشابه، نگرش اقتصادی-اجتماعی و سیاسی مشترکی دارند (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۴۳). عواملی چون پیوندهای فامیلی، طایفه‌ای، محلی، نوع مالکیت و معیشت مانع از شکل‌گیری طبقات در گستره جغرافیایی فرامحلی در مناطقی مانند همدان می‌شدند. عدم وجود کارخانه‌ها و صنایع بزرگ

نیز از عوامل محدود کننده شکل‌گیری طبقه کارگر در همدان محسوب می‌شدند. با این تفاسیر، شاید بتوان طبقه به معنای نخست آن را در این شهر سراغ گرفت و حتی بهتر است واژه مناسب‌تری مانند قشر کارگر را برای کارگران همدان به کار برد. کارگران شهر همدان عمدتاً مربوط به کارخانه چرم‌سازی، برق و کبریت‌سازی بودند (ساکما [همدان]، ۹۱/۲۴۵/۵۵۹).

با تمام این اوصاف، بزرگ‌ترین تجمع بیست‌هزار نفری هواداران و اعضای اتحادیه کارگری حزب «توده»، در همدان قبل از شروع نهضت ملی در اردیبهشت ۱۳۲۵ به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد. قطعنامه پایانی این گردهمایی توسط منوچهر فرجادی که در مورد وضعیت اقتصادی کارگران و دهقانان، قانون کار و مطالبات صنفی بود، قرائت شد (احمدی، ۱۳۷۹: ۵۱۶، ۵۱۷). در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۷ شعبه سندیکای کارگران همدان توسط «عبدالمحمد ارمغانی» مدیر داخلی کارخانه کبریت‌سازی هما تشکیل و او مسئول سندیکای مذکور شد (ساکما، ۲۳۰/۳۷۸۶).

گفتنی است بعد از چرخش سیاست منفی قوام نسبت به حزب «توده»، حمله به مراکز و طرفداران این حزب آغاز شد و با ترور محمدرضا شاه در بهمن ۱۳۲۷، حزب «توده» به صورت رسمی منحل و دفاتر و روزنامه‌هایش در سراسر کشور تعطیل شد. عمده‌ترین فعالیت حزب «توده» در این سال‌ها در همدان، پخش بیانیه و اعلامیه بود (مراسان، ۳۶۰۱۲؛ ساکما، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۶، همان، ۲۹۳/۱۳/۱۶۰/۱)، اما با آغاز نهضت ملی شدن صنعت نفت، شکل‌گیری جبهه ملی و روی کار آمدن دولت مصدق، شرایط برای فعالیت‌های سیاسی حزب «توده» و شورای متحد کارگران در همدان فراهم شد؛ به همین دلیل اتحادیه کارگری و شورای متحد حزب «توده» شعبه همدان توانست با اعضا و کادری که در سال‌های پیش تربیت کرده بود، در دوران نهضت ملی از همین نیروهای باتجربه به خوبی استفاده کند.

اعتصاب کارگران کارخانه برق

حزب «توده» ایران در آغاز ملی شدن صنعت نفت، رویکرد خصمانه‌ای نسبت به مصدق داشت و او را به عنوان یک رجل سیاسی ملی، ولی محدود در چارچوب تمایلات طبقاتی سرمایه‌داران و مالکان ملی به حساب می‌آورد (کیانوری، ۱۳۵۹: ۳). علت مخالفت حزب توده (که وابسته به شوروی بود) این بود که بین شوروی و انگلیس توافق شده بود انگلیس از دادن نفت شمال ایران به شوروی حمایت کند و در مقابل، شوروی هم برای تحکیم نفوذ انگلیس در جنوب ایران تلاش کند (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۸۸)؛ به همین دلیل زمامداران شوروی به شدت به مصدق حمله و او را متهم به خیانت کردند (مشفق همدانی، ۱۹۹۱: ۲۳۹)؛ زیرا می‌دانستند

با ملی شدن صنعت نفت نباید امیدی به واگذاری هیچ‌گونه امتیاز نفتی در ایران داشته باشند (kazemzaded, 1951: 62). با این اوصاف، حزب توده ایران که از شوروی دستور می‌گرفت، از هر فرصتی برای ابراز قدرت و مخالفت با نهضت ملی و دولت استفاده می‌کرد. بدین ترتیب، شعبه حزب توده همدان نیز از این رویه پیروی می‌کرد.

همدان یک شهر کارگری نبود، اما به نسبت جمعیت زمان خود و داشتن چندین کارخانه و کارگاه، تا اندازه‌ای مورد توجه شورای متحده کارگران و زحمتکشان حزب «توده» برای فعالیت حزبی و سیاسی در دوران نهضت ملی بود. براساس گزارش اداره کار همدان، در ۲۲ مهر ۱۳۳۱ آمار کارگران کارخانه‌های این شهر ۱۸۵۴ نفر اعلام شد (ساکما [همدان]، ۹۱/۲۴۵/۵۵۹) و اگر آمار کارگران کارگاه‌های قالی‌بافی، دباغ‌خانه‌ها و شرکت سهامی فرش همدان را به آن اضافه کنیم، تعداد کارگران خیلی بیشتر از این خواهد شد (زند، ۱۳۹۲: ۱۷۳) و با توجه به نیروی جوان، فعالیت کادر حزب «توده» و فضای باز سیاسی دوران نهضت ملی، فرصت مناسبی برای عضوگیری در بین کارگران و برپایی اجتماعات و اعتصابات فراهم بود (ساکما، ۲۹۰/۷/۵۸۴/۴)؛ به طوری که تعدادی از کارگران کارخانه برق الوند از جمله حسن اکبری، اسماعیل برلوکی و دیگران در سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ش. در حوزه کارگری حزب توده جذب شده بودند (مراسان، ۲۷/۱) که در گردهمایی اعضای شورای متحده کارگران و زحمتکشان همدان، با بستن بازوبند شورا حضور داشتند (احمدی، ۱۳۷۹: ۵۱۵). بنابراین فعالیت کارگران کارخانه برق الوند در حزب توده دارای پیشینه بود و با تشکیلات حزب آشنایی داشتند.

اولین اعتصاب کارگران همدان، در دوران نهضت ملی در کارخانه برق الوند همدان که دارای ۴۳ کارگر بود، اتفاق افتاد. در شب ۱۰ تیر ۱۳۳۰ گویا به علت مشکل فنی، برق منزل خواجه‌نوری فرماندار همدان که با یک هیئت آمریکایی مشغول مذاکره در امور عمرانی بود، قطع شد (مؤمن، ۱۳۸۶: ۲۷۰/۱). براساس گزارش شهربانی همدان، فرماندار شخصاً به کارخانه برق الوند مراجعه کرد و خواهان رفع مشکل شد و تنی چند از کارگران را که باعث قطعی برق شده بودند، مورد ضرب و شتم قرار داد؛ به گونه‌ای که یکی از کارگران به نام کاظم شیرخانی در بیمارستان بستری شد. همین امر موجب اعتصاب و تحصن کارگران در تلگرافخانه و شکایت آنان به تهران شد (ساکما، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۵؛ همان، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۸). بدین ترتیب، با این حرکت ناشیانه خواجه‌نوری و درگیری مستقیم با کارگران کارخانه الوند، اعتصاب آنان شد و زمینه را برای فعالیت اعضای حزب توده و شورای متحده کارگران و رسانه‌ای شدن موضوع در روزنامه «نتیجه آینده» ارگان حزب توده همدان به سر دبیری «غلامرضا بهینا» (از فعالان

حزب توده همدان) و روزنامه «ندای میهن» که تا اندازه‌ای از حزب توده حمایت می‌کرد، فراهم کرد (مؤمن، ۱۳۸۶: ۳۵۷/۱). در نهایت، کارگران مزبور دست از کار کشیدند و با انتشار بیانیه‌ای در ۱۲ تیر ۱۳۳۰ در روزنامه «ندای میهن»، خواهان احقاق حق و حمایت مردم شدند. «همشهریان محترم شب گذشته به علل فنی برق فرمانداری همدان خاموش شده و فرماندار شخصاً برای اطلاع از جریان خاموشی مستقیماً به کارخانه دیزل آمده بعد از فحاشی زیاد نسبت به اولیاء امور کارخانه برق چند نفر از کارگران مأمور برق را کتک‌کاری می‌نماید... ما کارگران شرکت برق ... چرا باید به چنین مصیبتی دچار و سرنوشتمان به دست یک چنین شخص دیکتاتوری بیفتد. فرماندار به چه مجوز قانونی مرتکب چنین عمل زشتی شده... با چه حقی نسبت به برادران کارگر ما چنین توهین و بی‌احترامی شده ... تا زمانی که این شخص قانونی! به سزای عمل غیرقانونی خود نرسد دست به اعتصاب زده بدین وسیله سلب مسئولیت خاموشی شهر را از خود می‌نماییم از کلیه همشهریان عزیز و رفقای کارگر خود کمک می‌طلبیم که در این جریان تا حصول پیروزی با ما همکاری کنند. کارگران شرکت برق الوند» (ساکما، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۱۲).

از سوی تعدادی از کارگران از جمله عبادالله، محمد و اسماعیل برلوکی به نخست‌وزیر شکایت و خواهان رسیدگی به موضوع شدند که نخست‌وزیر دستور مأخذ فرماندار همدان و پیگیری آن را به وزارت کشور صادر کرد. وزارت کشور نیز ضمن اعلام رسیدگی به موضوع، هرگونه اعتصاب را خلاف قانون کار دانست و خواهان پایان دادن به اعتصاب شد (ساکما، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۲؛ همان، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۷). با توجه به اعلامیه کارگران کارخانه و عضویت تعدادی از آنان در حزب توده و شورای متحده و همچنین به کار بردن کلماتی چون رفقا، دیکتاتور و ادبیات سیاسی در نگارش آن توسط اعضای حزب توده مانند اسماعیل برلوکی و مخاطب قرار دادن کارگران، می‌توان به نقش حزب توده در این اعتصاب پی برد. در مقابل اعلامیه مذکور، فرماندار همدان با ارسال تلگراف به وزارت کشور از خود این‌گونه دفاع کرد: «... در ساعت ۲۱ روز دهم برق شهر بدون هیچ سابقه و علتی قطع شد در حالی که با هیأتی آمریکایی مشغول مذاکره و برنامه‌ریزی در امور عمرانی بودیم چون احتمال می‌رفت قطع برق شهر حاکی از حوادث غیرمترقبه باشد شخصاً به محل توربین رفته و پس از اتصال مجدد برق مراجعت نمودم...» (ساکما، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۵).

در تلگراف فرماندار همدان به وزارت کشور، خبر از قطعی برق کل شهر داده شد، اما اشاره‌ای به ضرب و شتم کارگران نشده بود؛ در صورتی که در اعلامیه کارگران ضمن شکایت از فرماندار به سبب کتک‌کاری کارگران، فقط از قطع شدن برق منزل فرماندار خبر داده شده

است. بدین ترتیب، در تلگراف و اعلامیه مذکور تناقض گویی کاملاً آشکار است؛ هرچند که او با این گزارش خود را تیرئه کرد (همان، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۷). بنابراین چاره‌ای جز رجوع به گزارش شهربانی همدان که مبنای تصمیم‌گیری مقامات مرکزی بود، نیست. در گزارش مذکور به روشنی به موضوع ضرب و شتم کارگران توسط فرماندار و قطع عمده برق توسط کارگران اشاره شده است، اما با وجود گزارش شفاف شهربانی همدان، عده‌ای از مردم با نشر اعلامیه‌ای با عنوان «جریان حقیقی اعتصاب کارگران شرکت برق و پاسخ به مغرضین و خائنین به میهن» در روزنامه «ناطق»، به حمایت از فرماندار پرداختند و کارگران کارخانه برق را بازیچه عناصر توده‌ای که مخالف نهضت ملی بودند، معرفی کردند و در نهایت، از مسئولان کارخانه برق خواستند به این مسائل پایان دهند (ساکما، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۱۴).

از طرف دیگر، اتاق بازرگانی همدان نیز با ارسال تلگرافی به وزارت کشور، ضمن بیان شکایات کارگران کارخانه برق همدان از فرماندار، از خدمات خواجه‌نوری تمجید کردند و او را شایسته تقدیر دانستند (ساکما، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۶). متن اعلامیه مردم همدان در تناقض آشکار با گزارش شهربانی که به منظور شرح واقعه برای تصمیم‌سازی تهیه شده بود، قرار داشت؛ زیرا در آن از تماس تلفنی و ارتباط با مدیران کارخانه برق خبری نیست. حال آنکه هم در اعلامیه مردم و هم در گزارش شهربانی، تحریک کارگران کار عناصر حزب «توده» اعلام شد. در نهایت، در مورد اعلامیه برخی از اهالی و اتاق بازرگانی همدان می‌توان گفت آنان با هدایت رهبران و طرفداران جبهه ملی در همدان، به دو دلیل دست به این اقدام زده بودند. نخست ایجاد محیط آرام برای حمایت از نهضت ملی و جلوگیری از اختلاف گسترده در جامعه و ایجاد مسائل حاشیه‌ای؛ دوم عدم ایجاد بستر لازم برای فعالیت عناصر حزب توده و مخالفان نهضت ملی و جلوگیری از چندقطبی شدن جامعه.

در نهایت، با دخالت مسئولان ملی و محلی اعتصاب کارگران مذکور پس از یک روز پایان یافت، اما یک بار دیگر در گزارش ۱۵ تیر فرماندار همدان به وزارت کشور، این اقدامات ناشی از تحریکات حزب توده دانسته شد. از طرف دیگر، اعلام شد فرمانداری نیز از طریق شهربانی محرکان این اقدام را مورد تعقیب قرار خواهد داد (ساکما، ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۱۴). هرچند اعتصاب کارگران یک روزه بود، اما این نخستین جرقه یک حرکت کارگری منسجم در دوران نهضت ملی در یکی از تأسیسات حیاتی همدان بود که در واقع نمایش قدرتی توسط حزب «توده» و زنگ خطری برای مسئولان محلی همدان بود که شورای متحده می‌تواند در آینده چنین رخدادهایی را برنامه‌ریزی کند؛ به همین دلیل در ۳۰ مرداد ۱۳۳۰ شورای امنیت شهرستان همدان تشکیل شد تا از فعالیت‌های کارگران حزب توده در آینده جلوگیری شود (همان،

۲۹۰/۱۸۰۸). البته کارگران کارخانه برق همچنان فعال بودند؛ چنان‌که در ۲۳ اسفند ۱۳۳۰ با ارسال دعوت‌نامه‌هایی برای افراد، جشن روز کارگر را برگزار کردند (ساکما [همدان]، ۹۱/۲۸۰/۱۲۲۱). در زمان اعتصاب کارگران کارخانه چرم‌سازی نیز اسماعیل برلوکی با صدور اعلامیه‌ای از طرف اتحادیه کارگران کارخانه برق، از آنان حمایت کرد (همان، ۹۱/۲۸۰/۴۸۴). در ۳۰ فروردین ۱۳۳۰ شورای متحده و اتحادیه کارگران شهرستان همدان با صدور یک بیانیه با عنوان «کارگران و زحمتکشان»، درصدد دفاع از حقوق کارگران همدان از جمله کارخانه برق همدان برآمد (ساکما، ۲۹۰/۲/۳۲۵/۱۵). بدین ترتیب، می‌توان گفت حزب توده و شورای متحده در برگزاری اعتصاب کارگران نقش اصلی را داشتند و ادامه این فعالیت‌ها را می‌توان در اعتصاب کارگران کارخانه چرم‌سازی دید.

اعتصاب کارگران کارخانه چرم‌سازی

شهر همدان از جمله شهرهای مهم تولید و صادر کننده چرم ایران بوده (جکسن، ۱۳۵۲: ۱۷۲) و افراد بسیاری در همدان به این کار اشتغال داشتند (پارسا، ۱۳۸۸: ۹۰). تا اوایل حکومت پهلوی اول تولید چرم در شهر همدان از رونق و شهرت جهانی برخوردار بود، اما در سال ۱۳۰۹ش. با ایجاد تغییراتی در شهرسازی و رعایت اصول بهداشتی، از ادامه فعالیت کارگاه‌های دباغی سنتی در داخل شهر جلوگیری به عمل آمد؛ تا اینکه در سال ۱۳۱۳ نخستین کارخانه چرم ایران را یک فرد زرتشتی به نام «اریاب اردشیر یگانگی» به شیوه‌ای نوین در همدان تأسیس کرد (همان، همان‌جا).

کارخانه چرم‌سازی با دارا بودن ۱۴۳ کارگر و شیفت‌بندی‌های مختلف، به مدرن‌ترین کارخانه همدان تبدیل شد. در دوران نهضت ملی، این کارگران که تعدادی از آنان عضو اتحادیه کارگری بودند، مطالباتی نظیر افزایش دستمزدها را از کارفرما داشتند (احمدی، ۱۳۷۹: ۵۲۳)، اما کارفرمایان به همان شیوه قدیمی یعنی دستمزد پایین و ضدیت با هر اتحادیه‌ای، خواهان درآمد بیشتر و هزینه کمتر بودند (alavi, 1955: 84)؛ به همین دلیل توجهی به خواسته‌های آنان نکردند تا اینکه اولین اعتصاب یک‌روزه آنان در آبان ۱۳۳۰ شکل گرفت. البته با وعده برآوردن شدن خواسته‌های کارگران از سوی کارفرما و مسئولان محلی، در همان تاریخ اعتصاب پایان یافت (احمدی، ۱۳۷۹: ۵۲۴). با عملی نشدن این وعده‌ها، زمینه برای اعتراض دوباره کارگران چرم‌سازی مهیا شد؛ به‌ویژه آنکه تعدادی از این کارگران مانند «حسن چهاردولی» با شورای متحده در ارتباط بودند و اعلامیه‌های حزب «توده» را به منظور تحریک کارگران چرم‌سازی بین آنان توزیع می‌کردند. یکی دیگر از افرادی که در بین کارگران کارخانه

چرم‌سازی و برق فعال بود، ابوالقاسم مسعودی از اعضای حزب «توده» و «خانه صلح» بود. زمانی که او در ۱۵ آبان ۱۳۳۰ دستگیر شد، از او ۲۵ برگ اعلامیه مبنی بر تحریک کارگران کارخانه چرم‌سازی و شماره‌هایی از روزنامه «آدینه» و «نوید» به دست آمد (ساکما، ۲۳/۴۱۵/۲۹۰). از سوی دیگر، در ۳۱ فروردین ۱۳۳۱ تعدادی بیانه به نام شورای متحده شهرستان همدان مبنی بر دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان در شهر توزیع شد که خواهان تحقق مطالبات کارگران، از جمله افزایش دستمزدها برای تأمین هزینه‌های زندگی، کاهش ساعات کار روزانه از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت، رسیدگی به درمان و قانون بیمه کارگران، رفتار مناسب با کارگران و انتخاب نماینده از سوی کارگران در شورای حل اختلاف برای دفاع از حقوق آنان بودند. در این اعلامیه، تحقق حقوق کارگران تنها در سایه اتحاد و همبستگی دانسته شد؛ خود را حامی کارگران معرفی کردند و آنان را به همکاری فرا خواند: «... کارگران همدان خوب می‌دانند که جز با اتحاد و همبستگی محکم و مبارزات پیگیر نمی‌توان زنجیرهای اسارتی که به دست دولت ضد کارگر و کارفرمایان به دست و پای کارگران نهاده‌اند پاره نمود... به این مناسبت کارگران و زحمتکشان همدان صفوف خود را در زیر لوای شورای متحده مرکزی روز به روز فشرده‌تر می‌سازند تا با اتفاق کامل حقوق غصب شده خود را بازستانند...» (ساکما، ۱۴/۳۲۵/۲۹۰).

در حالی اتحادیه کارگری به انجام این فعالیت‌ها در همدان می‌پرداخت که دولت مصدق خواهان بسیج منابع کشور برای اجرای اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود (Ramazani, 1975: 129). از سوی دیگر، به علت عدم توجه دولت و مدیران کارخانه به وعده‌های داده شده، اعتصاب فراگیر ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۱ پدید آمد. قبل از شروع اعتصاب، کارگران برای افزایش دستمزد خود، در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۱ با ارائه یک طرح هفت‌ماده‌ای به اداره کار و فرمانداری همدان، خواهان اجرای آن در مدت ۴۸ ساعت شدند. در ۱۷ اردیبهشت «نقیب‌حضرتی» معاون فرمانداری همدان، با تنظیم صورت‌جلسه‌ای تمامی تقاضاهای کارگران -به جز ماده ۵ طرح پیشنهادی که راجع به مسکن بود- را پذیرفت و قرار شد طی یک هفته عملی شود و از کارگران خواسته شد از اعتصاب خودداری کنند. روز ۱۸ اردیبهشت کمیسیون حل اختلاف فرمانداری حداقل دستمزد را در شهرستان همدان ۴۵ ریال تعیین کرد، اما فرماندار همدان از ابلاغ و اجرای آن تا کسب اطلاع از وزارت کار خودداری کرد. در نتیجه، در روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۱ کارگران کارخانه چرم‌سازی با نواختن بوق‌های متوالی اعلام اعتصاب کردند. سپس پنج نفر از آنان برای مذاکره با نماینده نخست‌وزیر در تلگراف‌خانه حاضر شدند، اما از طرف نخست‌وزیری و به آنها ابلاغ شد که برای روشن شدن موضوع به

تهران عزیمت کنند (احمدی، ۱۳۷۹: ۵۳۲-۵۳۳).

بدین ترتیب، پنج نفر از کارگران برای مذاکره با حسین مکی نماینده نخست‌وزیر، راهی تهران شدند. در مدتی که نمایندگان کارگران در تهران مشغول مذاکره با مکی بودند، از طرف رئیس پادگان همدان و رئیس اداره کار شهرستان همدان تلاش‌هایی به منظور پایان دادن به اعتصاب کارگران صورت گرفت، اما کارگران همچنان خواهان ادامه اعتصاب تا بازگشت نمایندگانشان از تهران بودند و حتی حضور فرماندار در کارخانه و قول وی مبنی بر انجام تمام تقاضاهای آنان نتوانست کارگران را متقاعد کند و به اعتصاب آنان پایان دهد (همان، ۵۳۴). با ادامه اعتصاب، ارباب اردشیر یگانگی صاحب کارخانه و سرهنگ نعیم رئیس نظام وظیفه همدان، با حضور در کارخانه با کارگران مذاکره کردند. از طرف دیگر، بنا به دستور فرمانده پادگان همدان و سرتیپ احمد بهارمست فرمانده تیپ مستقل کردستان، نیروهایی برای محافظت از وسایل به کارخانه اعزام شدند (همان، ۵۳۵)؛ سپس برای تصمیم‌گیری جلسه‌ای در منزل فرماندار تشکیل شد. در این جلسه اعلام شد با اطمینان به کارگران و امنیت وسایل کارخانه، امشب نیروهای نظامی کارخانه را تخلیه می‌کنند و فردا صبح دوباره به کارخانه چرم‌سازی بازمی‌گردند. با این توافق، حاضران ساعت ۲ بامداد از منزل فرماندار خارج شدند، اما براساس گزارش رئیس اداره کار شهرستان همدان، در بین راه بنا به دستور سرتیپ بهارمست همگی به کارخانه رفتند و به دستور او کارگران مورد ضرب و شتم و اهانت قرار گرفتند؛ ۵۱ نفر از آنان بازداشت و در شهربانی زندانی شدند (ساکما، ۲۹۳/۱۳/۱۴۲/۸). این عمل ناصواب سرتیپ بهارمست موجب اعتراض شدید کارگران و تشدید اعتصاب آنان شد. بهارمست علاوه بر دستور دستگیری تعدادی از کارگران، سعی کرد با یک سخنرانی توأم با بیم و امید در رادیو همدان، کارگران را وادار به پایان دادن به اعتصاب کند. او گفت ارباب اردشیر یگانگی و برادرانش به دنبال خدمت به مردم‌اند؛ درحالی‌که اقدامات کارگران موجب دلسردی آنان می‌شود. بهارمست خطاب به کارگران اظهار داشت با تعطیل شدن کارخانه چرم‌سازی، شمار بسیاری از آنان بیکار می‌شوند و تولیدات داخلی صدمه می‌بیند. بهارمست به کارگران هشدار داد مواظب افراد خائن و فریب‌خورده‌ای که در بین آنان اعلامیه پخش می‌کنند و آنها را تحریک و تشویق به تظاهرات و اعتصاب می‌کنند، باشند. او از کارگران خواست مطالبات خود را به‌طور مسالمت‌آمیز با مسئولان مطرح و افراد فریب‌خورده را به مقامات دولتی معرفی کنند و به اعتصاب خود پایان دهند؛ در غیر این صورت با آنان به عنوان خائن به شدت برخورد خواهد (احمدی، ۱۳۷۹: ۵۳۷-۵۳۹). بهارمست با این حرکت دو هدف را دنبال می‌کرد. نخست آنکه سعی داشت قبل از اینکه اعتصاب به کارخانه‌های دیگر همچون کبریت‌سازی

گسترش یابد، به آن پایان دهد و از سوی دیگر، قصد داشت با قوه قهریه وحشتی در بین کارگران ایجاد و آنان را وادار به عقب‌نشینی کند. دوم تلاش داشت با این حرکت پیامی به شورای متحده حزب «توده» بدهد که با هرگونه حرکتی مقابله خواهد شد؛ تا آنان را از هرگونه برنامه‌ریزی در این زمینه در آینده منصرف کند، اما کاملاً نتیجه عکس داشت.

به دنبال طرح شکایت نمایندگان کارگران و بازگشت آنان از تهران، از طرف وزارت کار برای رسیدگی به تقاضاها و مشکلات کارگران کارخانه چرم‌سازی که در حال اعتصاب بودند، «قراچورلو» نماینده وزارت کار به همدان اعزام شد. در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۱ کمیسیونی در دفتر معاون فرمانداری با حضور قراچورلو، ارباب اردشیر یگانگی، مخزنی مدیرعامل شرکت سهامی چرم‌سازی همدان، محمدرحیم نساج، محمد موسوی و حسین ساعدی نماینده کارگران کارخانه چرم‌سازی، به منظور بررسی خواسته‌های کارگران تشکیل شد. تقاضاهای کارگران که توسط نمایندگان آنان در جلسه مطرح شد، عبارت بود از: افزایش دستمزد کارگران؛ تأمین بیمه کارگران و بهداشت آنان؛ موضوع اضافه کار؛ روشن شدن وضعیت ۱۷ نفر از کارگران روزمزد؛ تهیه مسکن برای کارگران؛ تهیه محل ناهارخوری و تهیه رادیو برای استفاده از برنامه‌های رادیویی؛ تهیه وسایل نقلیه برای رفت‌وآمد کارگران.

در این جلسه بعد از مذاکرات فراوان برای افزایش دستمزد، قراچورلو اعلام کرد با در نظر گرفتن میزان درآمد کارخانه‌های مورد مقایسه و با مذاکره با مسئولان کشوری و کارفرما، می‌توان به این مورد رسیدگی کرد. از سوی دیگر، مخزنی اظهار داشت چون امور کارخانه‌های مشابه در کشور تابع رقابت صنعتی و اقتصادی است، افزایش حقوق کارگران بایستی به نسبت قدرت تولید کارخانه و خرج و مصارف آن در نظر گرفته شود؛ البته سطح تولید کارگر را هم باید در نظر داشت و اگر قرار باشد کارگری در کارخانه چرم‌سازی مزد بیشتری بگیرد، به همین نسبت باید مزد کارگران سایر کارخانه‌های چرم‌سازی هم اضافه شود. در نهایت، پس از مذاکرات مفصل ارباب اردشیر یگانگی و مخزنی اظهار داشتند در خارج از جلسه روی این موضوع مطالعه شود و اگر کمکی مقدور باشد، اعمال خواهد شد (همان، ۵۲۴-۵۲۷)؛ یعنی عملاً در بخش اضافه دستمزد تصمیمی گرفته نشد؛ زیرا قراچورلو بدون داشتن طرح و برنامه‌ای به همدان آمده بود و خواهان ابتکار عمل از سوی کارفرما بود؛ به همین دلیل به راحتی کار را به نظر کارفرما واگذار کرد. از طرف دیگر، کارفرما و مخزنی با استناد به موارد به ظاهر قانونی و منطقی توانستند مانع از هرگونه تصمیمی در این زمینه شوند.

درباره بهداشت کارگران که یکی مربوط به حوادث ناشی از کار و دیگری مربوط به بیماری‌های عادی بود، قرار شد اولاً نسبت به کارگرانی که در آپارات کار می‌کنند، برای خنثی

کردن سمی که به آنها سرایت می‌کند، به هر نفر یک لیتر شیر داده شود؛ ثانیاً در مورد کارگرانی که در داخل حوضچه‌ها انجام وظیفه می‌کنند، چکمه داده شود که از سرایت آب و رطوبت محفوظ بمانند؛ ثالثاً وسایل و موجبات ضد عفونی و مبارزه با میکروب فراهم شود. در نهایت، نمایندگان کارگران اعلام کردند کارگرانی که در اثر حوادث ناشی از کار به فتق مبتلا شده‌اند، با توجه به اینکه کارگران از سال‌ها پیش بیمه شده‌اند، معالجه آنها به عهده شرکت بیمه است. همچنین براساس آیین‌نامه، هرگاه کارگری در اثر حوادث ناشی از کار صدمه ببیند، کارفرما باید کار ساده‌تری برعهده آنها بگذارد و در این قسمت نیز باید آیین‌نامه مراعات شود. در نهایت، قرار شد براساس صورت‌جلسات قبلی رسیدگی شود (همان، ۵۲۸). سرانجام در این قسمت تا اندازه‌ای با دادن شیر به صورت روزانه و اعتبار به صندوق تعاون و تعهدات بیمه درمانی، خواسته کارگران تأمین شد. البته در موضوع اضافه دستمزد به سبب مخالفت کارفرما به نتیجه‌ای نرسیدند؛ هرچند که طبق تبصره ۱ ماده ۲، دستمزد کارگرانی که در تمام مدت ماه به صورت نوبتی کار می‌کردند، ۱۰٪ بیشتر از دستمزد عادی آنها برای کار در روز تعیین شد. بنابراین درباره کارگرانی که مشمول آن تبصره و ماده بودند، کارفرما مکلف به اضافه دستمزد مطابق قانون کار بود. البته این تصمیم هم در حد مصوبه باقی ماند. در مورد کارگران روزمزد تصویب شد کارگر روزمزد که به دستور کارفرما در مقابل دریافت مزد کار می‌کند با کارگر دائم و غیردائم از نظر قانون یکسان باشند و از مزایای قانون کار بهره‌مند شوند (همان، ۵۳۰).

در مورد مسکن کارگران، مخزنی منکر هرگونه تعهد کارفرما مبنی بر تهیه مسکن برای کارگران شد و آن را مقدور ندانست. برای ایاب و ذهاب کارگران نیز مقرر شد مبلغی حدود ۴ الی ۵ ریال بابت کرایه هر ماه به کارگران پرداخت شود. درباره تهیه محل ناهارخوری و رادیو، کارفرما ملزم به تهیه آنها شد، اما با تمام این تدابیر ارباب اردشیر یگانگی و مخزنی به بهانه اینکه اعتصاب غیرقانونی بوده و قبل از هر چیز باید آینده کارخانه تضمین شود، از انجام مندرجات و مصوبات کمیسیون مذکور شانه خالی کردند (همان، ۵۳۱). در واقع، عملاً تشکیل جلسه و تمام مصوبات آن با این رفتار کارفرما منتفی شد و کاری هم از قرارچورلو برنیامد؛ هرچند که او به عنوان نماینده وزارت کار اعلام کرد باید به وضعیت کارگران بازداشت شده رسیدگی شود و در صورت بی‌گناهی آزاد شوند و به محل کار خود برگردند تا از کارگران رفع نگرانی شود (همان، همان‌جا). از طرف دیگر، مسئولان محلی نیز در اجرای مصوبات کمیسیون چندان جدی نبودند.

درحالی که کارگران کارخانه چرم‌سازی درگیر اعتصاب و خواسته‌های خود بودند، کارگران کارخانه کبریت‌سازی «ژاله» که هشتصد نفر بودند، مطالباتی چون سایر کارگران مطرح

کردند که موجب اخراج و زندانی شدن تعدادی از آنان شد. همین موضوع سبب اتحاد هرچه بیشتر کارگران کارخانه‌های همدان شد که آنان نیز با بیان خواسته‌های مشترک در یک اعلامیه واحد، عملاً آن را به نمایش گذاشتند: «... ما کارگران همدان اطلاع حاصل کرده‌ایم کوچم‌شگی کارفرمای کارخانه کبریت‌سازی ژاله ۳ نفر از کارگران را به جرم حق‌طلبی و اینکه خواسته‌اند قانون کار درباره آنها اجرا شود از کار اخراج کرده و حتی عملیات ضد کارگری خود را به جایی رسانده که در جیب یکی از کارگران شرافتمند چاقو گذاشته و او را تحویل زندان داده و حتی دست کتیف خود را به روی زن کارگری دراز کرده این عملیات ضد کارگری کوچم‌شگی خشم و غضب ما کارگران را برانگیخته و جداً می‌خواهیم کارگران اخراجی هر چه زودتر به کار اولیه‌شان برگردانده شوند کارگر زندانی شده فوراً آزاد گردد و قانون کار درباره آنها اجرا شود. در خاتمه به رفقای کارگر کبریت‌سازی خود اطمینان می‌دهیم که در این مبارزه شرافتمندانه تمام کارگران همدان پشتیبان آنها خواهند بود. از طرف اتحادیه کارگران چرم‌سازی همدان حسین ساعدی، از طرف اتحادیه کارگران برق همدان اسماعیل برلوکی، از طرف اتحادیه کارگران خیازی همدان رستگار، از طرف اتحادیه کارگران رفتگران شهرداری رضا سرابی» (ساکما [همدان]، ۹۱/۲۸۰/۴۸۴).

با تمام این اوصاف، سفر قراچوللو و مصوبات کمیسیون مزبور عملاً هیچ نتیجه‌ای به دنبال نداشت و موجب ادامه اعتصاب و تحصن کارگران کارخانه چرم‌سازی در تلگراف‌خانه شد. در نتیجه، از سوی دولت دکتر مصدق هیئتی مرکب از نمایندگان نخست‌وزیری، وزارت کشور، اقتصاد ملی و کار به همدان اعزام شدند. هیئت مذکور در سوم خرداد ۱۳۳۱ پس از بازدید و رسیدگی به وضع کارخانه چرم‌سازی، در فرمانداری با حضور فرماندار همدان و نمایندگان کارفرما و کارگران چندین جلسه برگزار کرد و سرانجام در یک جلسه هفت‌ساعته تصمیمات نهایی اتخاذ و صورت‌مجلسی نیز تنظیم شد. هیئت مذکور پس از بررسی وضعیت کارگران زندانی و اثبات بی‌گناهی آنان، زمینه آزادی آنان را فراهم کرد. بدین ترتیب، مشکل اساسی برای پایان دادن به اعتصاب از میان برداشته شد و کارگران پس از ۱۵ روز اعتصاب، بعد از ظهر روز ۴ خرداد به اعتصاب خود پایان دادند. براساس مصوبات جلسات مذکور، کارفرما متعهد شد ضمن پرداخت دستمزد ایام اعتصاب کارگران، تمامی درخواست‌های آنان را عملی نماید؛ مگر تهیه مسکن که از عهده کارفرما خارج بود و همچنین افزایش دستمزد روزانه که تعیین و تصویب آن بستگی به نظر شورای عالی کار داشت (ساکما، ۲۹۳/۱۳/۱۴۲/۴).

پس از ارسال گزارش هیئت اعزامی به وزارت کار، وزیر کار به اداره کار همدان دستور داد برای رفع اختلاف و اعتصاب کارگران کارخانه چرم‌سازی همدان و سایر کارخانه‌ها، با توجه

به میزان دستمزد تعیین شده در تهران و سایر نقاط، نسبت به تعیین حداقل دستمزد در همدان اقدام کند (ساکما، ۱۳/۱۴۲/۵/۲۹۳). پس از تعیین حداقل دستمزد براساس مصوبات هیئت اعزامی به همدان، این تصمیم باید درباره کارگران کارخانه چرم‌سازی اعمال می‌شد که رضایت‌مندی کارگران و بیانیه شورای متحده مرکزی کارگران پس از پیروزی موقت کارگران کارخانه چرم‌سازی با عنوان «خطاب به کارگران مبارز چرم‌سازی همدان»، حاکی از اعمال این موارد درباره دستمزد کارگران است: «... اعتصاب ۱۵ روزه شما علی‌رغم همه فشارهای سرتیپ بهارمست و دسایس کارفرما بر اداره کار و سایر مقامات دولتی پیروز شد. پیروزی این اعتصاب نتیجه اتحاد و مقاومت دلیرانه شما و همدردی و پشتیبانی کلیه کارگران و زحمتکشان و همه مردم شرافتمند همدان بود. شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران این پیروزی را به شما کارگران ستم‌دیده و مبارز تبریک می‌گوید... بی‌نتیجه ماندن مراجعات کتبی و شفاهی و عدم توجه کارفرما و اداره کار به درخواست‌های به حق شما دیگر لزوم اتحاد و مبارزه دسته‌جمعی برای گرفتن حقوق از دست رفته برایتان آشکار نموده بود. به همین مناسبت اعتصاب امری طبیعی و برای بهتر شدن وضع زندگی اجتناب‌ناپذیر بود. کار طاقت‌فرسا و زندگی ناگوار شما هم‌دردی و پشتیبانی کلیه کارگران و زحمتکشان همدان و سایر شهرستان‌ها را به نفع شما جلب نمود... مردم شرافتمند شهر با درک این حقایق اعتصاب شما را تقویت نمودند. پیروزی اعتصاب و تسلیم کارفرما در برابر خواسته‌های شما نتیجه همین اتحاد و هماهنگی و برادری بود. موفق باد مبارزه کلیه کارگران همدان در راه به دست آوردن حقوق از دست رفته خود...» (ساکما، ۲۰/۲/۳۲۵/۲۹۰).

در تمام دوران اعتصاب کارگران، حضور و نقش اتحادیه و شورای متحده کارگران وابسته به حزب «توده» به وضوح دیده می‌شد؛ چنان‌که ابوالقاسم مسعودی یکی از اعضای مؤثر و فعال حزب «توده»، از جمله افرادی بود که در بین کارگران فعالیت داشت. از طرف دیگر، چنان‌که گذشت در بیشتر گردهمایی سازمان‌ها و جمعیت‌های وابسته به حزب «توده»، کارگران کارخانه چرم‌سازی حضور فعالی داشتند و در شورای متحده کارگران و زحمتکشان همدان نیز عضو بودند. از سوی دیگر، تقاضای کارگران برای استفاده از رادیو خود حکایت از بیش و حساسیت کارگران نسبت به مسائل روز در دوران نهضت ملی در کشور و همدان داشت. بدین ترتیب، می‌توان گفت حزب «توده» و شورای متحده کارگران و زحمتکشان تا اندازه‌ای در بهبود بخشیدن به وضعیت کارگران موفق بود (hindus, 1948: 88).

پس از پایان اعتصاب و توافقات به عمل آمده، اوضاع تعدادی از کارگران کارخانه چرم‌سازی که همچنان در بازداشت بودند، موجب شکایت و اعتراض کارگران کارخانه شد و

حتی تهدید به اعتصاب دوباره کردند. این اعتراض که در قالب یک عریضه با عنوان «شکایت کارگران کارخانه چرم‌سازی» در ۲۹ خرداد ۱۳۳۱ به نخست‌وزیری، وزارت کار و مجلس شورای ملی ارسال شده بود، در تمام روزنامه‌های ملی و محلی درج شد. «... با کمال تأسف و باید عرض نمایم اینجانبان کارگران محروم چرم‌سازی که مدتی پیش جهت اجرای خواسته‌های حقه خود اعتصاب قانونی نموده بودیم و کارفرما و چهار بازرس اعزامی مرکز و ادارات شهرستان همدان امضا و تعهد نموده‌اند که کلیه خواسته‌های قانونی ما را به‌موقع به اجرا گذارند ولی متأسفانه تاکنون نه تنها خواسته‌های قانونی ما را اجرا ننموده‌اند بلکه ۵ نفر از رفقای بی‌تقصیر ما را مدتی زندانی و مشغول پرونده‌سازی جهت بیچاره کردن آنها می‌باشند و در صورت مجلس ۱۳۳۱/۲/۲۸ تعهد نموده‌اند که پس از بازرسی به کارهای اولیه خود مراجعه نمایند ولی تاکنون از بازگشت آنها نیز خبری نیست... چنانچه در مدت یک هفته از تاریخ نشر این شکایت تا انقضای مدت به کار ما ترتیب اثر داده نشود ناچار برای بار دوم دست به اعتصاب زده و مسئول آن متصدیان امور و کارفرما می‌باشند. با امضای کلیه کارگران چرم‌سازی همدان» (روزنامه فریاد همدان، ۲۹ خرداد ۱۳۳۱: شماره ۲۱، ص ۴).

براساس اسناد و مدارک، بعد از این تاریخ دیگر اعتصابی شکل نگرفت و کارگران یک پیروزی موقت به دست آورده بودند، اما در نهایت با وجود جلسات متعدد مسئولان و کارفرما با نمایندگان کارگران، خواسته‌های کارگران کارخانه چرم‌سازی عملی نشد؛ به همین دلیل اعتراض آنان در قالب اعلامیه و شکوائیه حتی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز ادامه یافت.

نتیجه‌گیری

بعد از سقوط رضاشاه و باز شدن فضای سیاسی کشور، اتحادیه کارگری و شورای متحده کارگران و زحمتکشان حزب «توده» فعالیت خود را در همدان آغاز کرد. شعارهای عدالت‌خواهانه، تشکیلات منسجم، مطبوعات ارگانی و کادر محلی قوی موجب عضوگیری اتحادیه و شورای متحده در همدان گردید. از سوی دیگر، ظلم و ستم کارفرما و خوانین به کارگران و رعایا و همچنین رشد قشر روشنفکر و متوسط جامعه باعث شکل‌گیری شعبه محلی حزب «توده» و اتحادیه کارگری در همدان شد. با شروع نهضت ملی شدن صنعت نفت و تشکیل دولت ملی مصدق، محیط رشد و جذب نیرو برای اتحادیه کارگری مهیاتر شد، اما فعالیت و نفوذ روحانیان، خوانین و «جمعیت طرفداران جبهه ملی همدان» از جمله عواملی بود که به‌طور جد مانع از گسترش هرچه بیشتر فعالیت اتحادیه کارگری و شورای متحده حزب «توده» می‌شد. با وجود این، حزب «توده» در بین تمام اقشار جامعه از جمله کارگران

کارخانه‌های چرم‌سازی، کبریت‌سازی، برق و تا اندازه‌ای در کارگاه‌های قالی‌بافی نفوذ داشت و افرادی را جذب شورای متحده کارگران و زحمتکشان همدان کرد. با توزیع اعلامیه و فعالیت رهبران محلی، زمینه فعال شدن کارگران نیز فراهم شد؛ به طوری که به اعتصاب کارگران کارخانه برق و چرم‌سازی در همدان در دوران نهضت ملی منجر شد. به علت رفتار ناشایسته فرماندار همدان در کارخانه برق، عضویت کارگران در شورای متحده و تشکیل اتحادیه کارگران کارخانه و همچنین فعالیت دیگر اعضای حزب توده مانند مسعودی، حزب توانست نخستین اعتصاب کارگری در دوران دولت ملی را در همدان در کارخانه برق ساماندهی کند. این اعتصاب برای اتحادیه و شورای متحده کارگران و زحمتکشان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود؛ زیرا زمینه را برای برنامه‌ریزی‌های بعدی مهیا کرد، به کارگران نیز جرئت و جسارت داد و جامعه را متوجه قشر کارگر ساخت، قدرت حزب توده را به نمایش گذاشت و مشکلاتی برای مسئولان محلی و ملی ایجاد کرد. این اهداف با اعتصاب کارگران کارخانه چرم‌سازی هرچه بیشتر رنگ و بوی صنفی و سیاسی به خود گرفت و از انسجام بیشتری برخوردار شد. از ویژگی‌های اعتصاب کارگران کارخانه چرم‌سازی می‌توان به مواردی چون طولانی بودن زمان اعتصاب، نقش آشکار اعضای حزب «توده» و شورای متحده کارگران و زحمتکشان در تحریک و ساماندهی کارگران، انتخاب نماینده برای نخستین بار توسط کارگران برای مذاکره با کارفرما و مسئولان محلی و کشوری و همچنین مطرح کردن خواسته‌های صنفی و همبستگی کارگران اشاره کرد. از سوی دیگر، این اعتصاب علاوه بر جنبه محلی قوی، از انعکاس کشوری و ملی نیز برخوردار بود؛ تا جایی که از طرف وزارتخانه‌ها و دولت هیئتی برای رسیدگی به خواسته کارگران و پایان دادن اعتصاب به همدان اعزام شد. بدین ترتیب می‌توان گفت شورای متحده کارگران و زحمتکشان توانست با یک فعالیت اولیه و اعتصاب یک‌روزه در کارخانه برق همدان، یک اعتصاب فراگیر و تا اندازه‌ای بلندمدت از کارگران در کارخانه چرم‌سازی را ساماندهی کند. این فعالیت و موفقیت حزب توده موجب امید و گرایش بیشتر کارگران نسبت به اتحادیه و شورای متحده به عنوان یک حامی و پشتیبان شد. در مقابل، رفتار خشونت‌بار و اقتدارگرایانه عوامل امنیتی-سیاسی محلی ناکارآمدی خود را نشان داد. از سوی دیگر، «جمعیت طرفداران جبهه ملی همدان» به علت عدم پیش‌بینی اوضاع و ناهماهنگی نتوانستند مانع از راه‌اندازی این اعتصاب توسط کارگران شوند. البته نباید فراموش کرد کارگرانی که به شورای متحده کارگران و زحمتکشان روی می‌آوردند، به دنبال نیازهای اقتصادی خود بودند تا انگیزه‌های سیاسی و فعالیت‌های حزبی؛ یعنی کارگران بیش از هر چیزی به دنبال برآورده شدن خواسته‌های صنفی و اقتصادی خود بودند، اما شورای متحده

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۱، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۰ / ۱۸۹

کارگران و زحمتکشان از این فرصت استفاده کرد و با ساماندهی و راه‌اندازی این اعتصابات، اقتدار خود را در مخالفت با نهضت ملی و دولت برای مسئولان استانی و کشوری به نمایش گذاشت.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۴)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، حسن شمس‌آوری و کاظم فیروزمند، تهران: اهورا.

احمدی، محمدطاهر (۱۳۷۹)، اسنادی از اتحادیه‌های کارگری (۱۳۳۲-۱۳۲۱ش)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

پارسا، نکیسا (۱۳۸۸)، «چرم همدان از فرهنگ تا صنعت»، *فصلنامه فرهنگ مردم*، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۸۶-۱۰۱.

پروین قدسی‌زاده، بهروز طیرانی و محمدحسین خسروپناه (۱۳۹۳)، *حزب در ایران*، تهران: کتاب مرجع.

تفرشی، مجید و محمودطاهر احمدی (۱۳۷۱)، *گزارش‌های محرمانه شهربانی (۱۳۲۴-۱۳۲۶ش)*، ج ۱، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

جکسن، ویلیامز (۱۳۵۲)، *سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خورازمی.

خامه‌ای، انور (۱۳۷۲)، *خاطرات سیاسی*، تهران: نشر گفتار.

زند، عباس (۱۳۹۲)، *قالی بافی ملی ایران*، همدان: کوثر.

طیرانی، بهروز (۱۳۷۶)، *اسناد احزاب سیاسی (۱۳۲۰-۱۳۳۰)*، ج ۲، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

کیانوری، نورالدین (۱۳۵۹)، *حزب توده ایران و دکتر مصدق*، تهران: شرکت سهامی خاص انتشارات توده.

فلور، ویلم (۱۳۷۱)، *اتحادیه کارگری و قانون کار در ایران*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.

مشفق همدانی، ربیع (۱۹۹۱)، *خاطرات نیم قرن روزنامه‌نگاری: لس آنجلس*، [بی‌نا].

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۷۰)، *سیاست و سازمان حزب توده: از آغاز تا فروپاشی*، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

مؤمن، ابوالفتح (۱۳۸۶)، *انقلاب اسلامی در همدان*، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۹۰)، *دریچه‌ای به تاریخ معاصر ایران (مجموعه مقالات)*، تهران: سوره مهر.

ب. اسناد و نشریات

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۰/۱۸۰۸.

۱۹۰ / جنبش کارگری همدان در دوران نهضت ملی / ابوالفتح مؤمن و ...

- _____ سند شماره ۲۹۰/۵۷۲۱.
- _____ سند شماره ۲۹۰/۲/۳۲۵/۱۵.
- _____ سند شماره ۲۹۰/۲/۴۱۵/۲۳.
- _____ سند شماره ۲۹۰/۲/۳۲۵/۲۰.
- _____ سند شماره ۲۹۰/۷/۵۸۴/۴.
- _____ سند شماره ۲۹۰/۳۲۵/۱۴.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۶.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۶۰/۱.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۸.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۴۲/۸.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۵.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۱۲.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۷.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۴۲/۴.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۴۲/۵.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۲.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۱۴.
- _____ سند شماره ۲۳۰/۳۷۸۶.
- _____ سند شماره ۲۹۳/۱۳/۱۵۵/۶.
- _____ سند شماره ۲۹۰/۲/۳۲۵/۱۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) [همدان]، سند شماره ۹۱/۲۴۵/۵۵۹.
- _____ سند شماره ۹۱/۲۸۰/۴۸۴.
- _____ سند شماره ۹۱/۲۸۰/۱۲۲۱.
- مرکز آرشیو اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، پرونده حزب توده همدان، ۳۶۰۱۲.
- _____ ۲۷/۱.
- روزنامه فریاد همدان (۱۳۳۱)، شماره ۲۱، ص ۴.

ج. منابع لاتین

- Alavi, Bozorg (1955), *Kampfendes Iran*, Berlin: Dietz Verlag.
- Hindus, Maurice (1948), *in sear of a future*, newYurk.
- Jamalzedeh, Mohammad Ali (February 1951), "social and Economic structure of iran", *intem ation*, labour Review, vol.43.
- Kazemzadeh, Firuz (1951), *The Struggle for Transcaucasia (1917-1921)*, With an introduction by Michael Karpovich. Pp. xv, 356, map. newYork: Philosophical Library.
- Ramazani, Rouhollah Karegar (1975), *Irans Foreign Policy, 1941-1973; astudy of Foreign Policy in modernizing nations*, Charlottesville.

List of sources with English handwriting

Books

- Abrahamian, Y. (1384). Iran between the two revolutions, Translated by Mohsen Modīršānečī, Šamsāvārī and Kāzem Fīroūzmand, Tehrān: Ahūrā.
- Faryād Hamedān newspaper, National Library of Iran, repository No. 1, Recovery number; 04-36962-82
- Hindus. Maurice. (1948). In Search of a future: Persia, Egypt, Iraq, and palestine: new york.
- Jackson, W. (1973). Persia past and present: a book of travel and research, Translated by Manoučehr Amīrī and Fereydoūn Badrā'ī, Tehrān: Kārazmī.
- Kāme'ī, Anvar. (1372). Political Memoirs, Tehrān: Naš-re Gofār.
- Kīyānūrī, N. (1359). Tudeh Party of Iran and Dr. Mossadegh, Tehrān: čāvošān Nozāeī Kabīr.
- Mo'men, A. (1386). Islamic Revolution in Hamedan, Vol. 1, Tehrān: Islamic Revolution Documentation Center.
- Mo'men, A. (1390). A Window on the Contemporary History of Iran (Collection of Articles), Tehrān: Surah Mehr.
- Mošfeq Hamedānī, R. (1991). Memoirs of Half a Century of Journalism: Los Angeles. Newspaper
- Pārsā, Nakīsā (1388), "Hamedan leather from culture to industry", Journal of People's Culture, Hamedān, vol. 7, p. 26.
- Politics and organization of the Tudeh Party from the beginning to the collapse. (1991). C1, Tehrān: Institute of Political Studies and Research.
- Qodsīzādeh, P. Behroūz Tīrānī and Kōsrūpanāh. (2014). Party in Iran, Tehrān: Ketāb-e Marja'.
- Ramazānī, R. K. (1975). Irans Foreign Policy, 1941-1973 : a study of Foreign Policy in modernizing nations. Charlottesville.
- Šahrbāī, (1324-1326Š), Tehrān: Sāzmān Asnāe Mellī-ye Iran.
- Tafrešī, Majīd, Mahmūd Tāher Ahmādī (1371), Confidential police reports (1947-1945), Tehran: National Archives of Iran.
- Tīrānī, B. (1997). Documents of Political Parties (1951-1941), Volume 2, Tehrān: National Documents Organization of Iran.
- Willem, F. (1992). Labor Union and Labor Law in Iran, Translated by Abūlqāsem Sarī, Tehrān: Toūs.
- Zandī, A. (2013). National Carpet Weaving of Iran, Hamedan: Kowtār.

Documents

- Sāzmān-e Asnād va Ketābkān-e Mellī (Sākmā), document number:
290/325/14; 290/7/584/4; 290/2/325/20; 290/2/415/23; 290/5721; 290/1808;
293/13/155/5; 293/13/142/8; 293/13/155/8; 293/13/160/1; 293/13/155/6; 293/13/155/2;
293/13/142/5; 293/13/142/4; 293/13/155/7; 293/13/155/12; 293/13/155/14;
293/13/142/6.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābkān-e Mellī Modīrīyat-e Ġarb-e Kešvar Hamadan (Sākmā Hamd), document number: 91/280/1221 ; 91/280/484 ; 91/245/559.
- Markaz-e Asnād-e Enqlāb-e Eslāmī (Marāsān), Archive, Tudeh Party file of Hamadan, code; 36012.



Hamedan labor movement during the national movement¹

Abolfath Momen²

Kaivan Shafei³

Anvar Khalandi⁴

Seyed Mohammad Sheikh Ahmadi⁵

Received:2021/06/24

Accepted:2021/10/14

Abstract

During the nationalization of the oil industry, political parties and groups were very active in Hamedan. The Tudeh Party was one of the parties operating in the form of associations and a united council of workers and toilers. Opposing the National Movement and Mossadegh's government, the party was often involved with the "Hamadan National Movement Supporters Association." The trade union and the united council of workers and toilers of this party and other party organizations, such as the "House of Peace", played an effective role among the workers of Hamedan factories through their activities in the workers' strikes. The purpose of this article was to analyze the activities of the Tudeh Party and the council among the workers of Hamedan.

The present article is based on data extracted from archival documents and library resources. The findings of the study show the activity of the Tudeh Party and the United Council of Workers and toilers of the Hamadan branch in opposition to the national movement, by recruiting workers and holding labor strikes in factories in Hamadan. Thus, for the first time, the labor movement in an organized way raised new trade unions and political-economic demands and created political and security problems for the officials of Hamedan.

Keywords: National Movement, Tudeh Party, Trade Union, United Council of Workers and Workers, Hamedan.

1. DOI: 10.22051/HII.2021.36511.2486

2. Islamic Iranian history-student in post PhD, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. m.abolfath@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.(corresponding Author). Kaivan_shafei@yahoo.com

4. Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. a.khalandi@alumni.ut.ir

5. Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. modares1980@yahoo.com

- Study of the developments of the "The article extracted from the dissertation is entitled cultural ,social ,in Hamedan and its impact on the political (۱۹۵۳-۱۹۴۹) national movement Sanandaj Branch ,Islamic Azad University "and economic life of Hamedan.

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN: 2538-3493